

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات  
چهارمین کنگره بین المللی  
علوم انسانی اسلامی**

**کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی**

## اسامی هیئت داوران

کمیسیون «هنر و معماری»  
رئیس کمیسیون: مهندس عبدالحمید نقره کار

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- پردیس بهمنی: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- سمانه تقدیر: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- محمدمنار رئیس: عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه قم
- محمد صالح شکوهی بیدهندي: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- محمدرضا عطایی همدانی: دکترای معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان
- صدیقه معین مهر: دکترای معماری اسلامی، مُدَرِّس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
- مسعود ناری قمی: استادیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشکده پسران قم
- عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- سید مجید هاشمی: دکترای معماری و استادیار دانشگاه ولی عصر علیه السلام رفسنجان



سرشناسه	: کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	: International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... [و دیگران] . :	
ویراستار مرتضی طباطبایی	
مشخصات نشر	: تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	: ج ۱۰ :
شابک	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : دوره: ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ج ۲ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج ۲ :
	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۳ : ج ۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج ۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج ۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج ۶ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج ۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج ۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج ۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج ۱۰ :
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه .
مندرجات	: ج ۱ : کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی - ج ۲ : کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی - ج ۳ : کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی - ج ۴ : کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی - ج ۵ : کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی - ج ۶ : مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی - ج ۷ : مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی - ج ۸ : مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی - ج ۹ : مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی - ج ۱۰ : مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی -
موضوع	: علوم انسانی (اسلام) - کنگره‌ها
موضوع	: Humanities (Islam) -- Congresses
موضوع	: علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	: Humanities -- Congresses
شناسه افزوده	: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	: BP۳۳۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۴۰۳۹۸

## مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد هشتم | کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹-۶۸-۷۸۶۷-۷۸۶۴-۹۷۸

شابک: ۱۱-۷۷-۷۸۶۷-۷۸۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

تلفکس: ۰۹۰۵۶۰۶۶۴

www.sccsr.ac.ir

پایگاه اینترنتی:

info@sccsr.ac.ir

رایانامه:

## فهرست مطالب

### کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی

- |     |   |
|-----|---|
| ۹   | مبانی نظری نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری<br>علیرضا عندلیب  |
| ۴۵  | تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن<br>در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه<br>سمانه تقدیر     |
| ۷۳  | راهکارهای تأمین سلامت در معماری و شهرسازی اسلامی<br>مهدی حمزه نژاد، زهرا ثروتی                                      |
| ۹۷  | تأملی انتقادی بر رویکردهای تحقیق در معماری<br>و شهرسازی با استناد به آموزه‌های اسلامی<br>محمدمنان رئیسی             |
| ۱۲۳ | بررسی تأثیر قواعد اخلاقی-فقهی<br>در تنظیم قانون مدنی و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری<br>سیدمجید هاشمی طغراجردی |
| ۱۵۳ | روش تحقیق در تحقق شهرسازی اسلامی (برنامه‌ریزی شهری)<br>سیدمصطفی حسینی، علی حجازیان، محمد حسین گلکار، عبدالله صادقی  |
| ۱۷۵ | مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام<br>بهزاد عمرانزاده  |

۲۰۳

انسان خودشکوفای اشتداد یافته ملاصدرا و نمود آن در طراحی معماری کمال‌گرای انسانی  
عاطفه ظریف فیروز عسگری، دکتر مهدی حمزه‌نژاد

۲۲۱

بررسی و تطبیق صفات نادان‌شهرهای فارابی  
با شهرها و محله‌های معاصر (شهر مشهد)  
وحیده فکری، مهدی حمزه‌نژاد

۲۴۳

بررسی تطبیقی در مفهوم و مبانی طراحی اشیا از منظر ایرانی-اسلامی (نمونه پژوهش:  
ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی)  
پردیس بهمنی

۲۷۱

شاخصه‌سازی کیفیت مسکن ارزان‌قیمت با نگرش اسلامی  
پریسا محمدصادقی، مهدی حمزه‌نژاد

۳۰۳

نقشه راه شهرسازی اسلامی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی  
علی حجازیان، سیدمصطفی حسینی، محمدحسین گلکار

۳۱۹

تحلیل نحوه تغییر سرفصل دروس کارشناسی ارشد  
برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهت اسلامی شدن  
محمدصالح شکوهی بیدهندی

۳۳۵

ارزیابی راهبردهای تولید دانش اسلامی، با تأکید بر مطالعات شهرسازی  
احسان شریفیان، محمد سیدغراب

۳۶۹

واکاوی عدم تطبیق سبک زندگی با مصوبات معماری و  
شهرسازی با تأکید بر سطح اشغال و اقلیم  
سارا بهمنی کازرونی، امیرحسین جمشیدی، علیرضا حیدری



## بررسی تأثیر قواعد اخلاقی - فقهی در تنظیم قانون مدنی و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری

رهیافتی بر اصلاح ساختار شورای عالی و کمیسیون ماده پنج طرح تفصیلی

سیدمجید هاشمی طغرالجردی

دکترای معماری و استادیار دانشگاه ولی عصر علیه السلام رفسنجان، ایران، رفسنجان

sm.hashemi50@gmail.com

### چکیده

شناخت ارکان معماری شهر سنتی در گرو شناخت علوم اسلامی و قواعد حقوقی انتظام بخش به آن است. تعالیم اسلامی به سه حوزه مرتبط عقاید، اخلاق و فقه تقسیم شده است. اخلاق به عنوان نظام کنترل کننده رفتارها به تعریف حقوق فرد و جامعه می پردازد و فقه، الگوهای رفتاری مطابق با شریعت را بیان می کند. با توجه به اینکه هر فضایی متناسب با الگوی رفتاری ساکنانش شکل می گیرد، تفسیر و اجرای شریعت در فرایند معماری و شهرسازی شهرهای سنتی نمود می یابد و محیط آنها در واقع مظهري از تعاملی بین این علوم و فرایند برنامه ریزی و اجراست. این مقاله برای فهم دلایل نابسامانی در شهرهای معاصر ایران با این پرسش روبه روست که میان علوم اسلامی با حقوق مدنی و همچنین ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی معاصر ایران چه رابطه ای وجود دارد؟ این پژوهش که با روش مطالعات تحلیلی - توصیفی آغاز شده، نشان می دهد که قوانین معاصر همانند قانون مدنی در هماهنگی با اخلاق و فقه شکل می گیرند، ولی جدایی این رابطه در تدوین ضوابط معماری و شهرسازی معاصر موجب توزیع نامتعادل ثروت می شود و مهم ترین دلیل شکل گیری حکومت اسلامی را که رعایت عدالت اجتماعی و گسترش دوستی مابین مردم است، به شدت مورد تعرض قرار می دهد.

در شریعت اسلامی مسلمانان موظف شده‌اند هر یک از رفتارهای خود را در ترازوی صفاتی چون «واجب»، «مستحب»، «مباح»، «حرام» و «مکروه» قرار دهند و درستی یا نادرستی آن را سنجیده، نسبت به انجام یا ترک آن اقدام کنند؛ لذا عمل حرامی همانند تعرض به حریم خصوصی خانه دیگران اصولاً با طبیعت انسان ناسازگار است. این مقاله با تطبیق نتایج نشان می‌دهد که ساختار کمیسیون ماده پنج، به منظور تسهیل فروش تراکم (که یکی از مهم‌ترین دلایل نابسامانی کلان‌شهرهای ایران از جمله تهران است) تغییر یافته و به سبب فقدان نهاد فقهی حقوقی‌ای همانند شورای نگهبان در شورای عالی شهرسازی، این شورا از منظر حقوقی و شرعی دچار مشکل جدی شده است. گفتنی است که هیچ قاعده و قانونی در حوزه زندگی شهری نباید رذایل اخلاقی را رشد دهد و فضایل اخلاقی‌ای چون توجه به حلال و پرهیز از حرام را نزد مردم کوچک و حقیر بنمایاند. کلیدواژگان: قواعد اخلاقی-حقوقی، حلال و حرام، عدالت اجتماعی، کمیسیون ماده پنج شورای عالی، قانون مدنی.

## ۱. مقدمه

تحقیقات میان‌رشته‌ای از جمله رابطه حقوق شهروندی با اخلاق اسلامی نیاز به توجه بیشتری دارد. تاکنون حقوق معماری و شهرسازی به سبب میان‌رشته‌ای بودن توانسته در نظامی هماهنگ با فرهنگ سنتی جامعه تدوین و اجرا شود.

شهرسازی بدون تعامل با فرهنگ عمومی فاقد روح حیات بوده و اقبال مردمی را بر نمی‌تابد. باید بین فرهنگ و زندگی روزمره جامعه و نهادهای حرفه‌ای تعامل متقابل برقرار باشد. لازمه خروج از وضعیت منفعل کنونی وجود نهاد نظریه‌پردازی است که با کیفیت زندگی افراد مختلف مرتبط بوده و رابط بین نهادهای فرهنگی و دانشگاهی باشد (پژوهشکده کالبدی، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

برای بازشناسی هویت اسلامی در زمینه مصادیق معماری و شهرسازی، به شناسایی و بهره‌گیری از سرچشمه‌هایی که پدیدآورنده این هویت‌اند، نیازمندیم. آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام که به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم به بایستگی و شایستگی فضای زندگی اشاره دارند و سفارش‌هایی در این باره دارند، منشأ برداشت‌ها و تفسیرهایی شده‌اند که به طور گسترده در همه حوزه‌های علوم

اسلامی و حوزه‌های وابسته نمود یافته‌اند (نقره‌کار، ۱۳۷۸، ص ۴۸۶). معماری اسلامی نیز چیزی نیست مگر تجسم فضایی الگوهای رفتاری و روش ویژه‌ای از زندگی انسانی که بر مبنای نظام فکری و فلسفی اسلام و اصول مذکور در شریعت تعریف شده است؛ روش ویژه‌ای از زندگی که از سویی بر ساختار فلسفی-روحانی برگرفته از قرآن کریم استوار است و از سوی دیگر برگرفته از سنت نبی اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد (علی‌آبادی، ۱۳۸۴).

مهم‌ترین «حقیقت» اسلام را بینش توحیدی، مهم‌ترین بخش «طریقت» را اخلاق و مهم‌ترین بخش «شریعت» را فقه در بر می‌گیرد. همه دین‌شناسان پذیرفته‌اند که «توحید»، شالوده بنیادی اسلام است و همه بخش‌های دیگر اسلام وابسته به این اصل‌اند. عدالت به عنوان مهم‌ترین نتیجه اخلاق اجتماعی، زیربنایی مهم و اساسی برای دستیابی به توحید است. در این زمینه گاهی برخی روایات اصلی‌ترین هدف انبیا را از رسالت، «اخلاق» دانسته‌اند؛ اما مرحله پیش از اخلاق و آماده‌کننده بستر لازم برای تحقق عدالت فردی و اجتماعی همان حوزه شریعت است. دو بخش احکام و اخلاق در دین، همچون دو بال برای پرواز هستند و امکان اوج‌گیری و حرکت به سوی حقیقت دین را فراهم می‌کنند (نقره‌کار، ۱۳۸۴).

جامعه مسلمان ایرانی مکلف و مشرف به پیروی از شریعت اسلامی است؛ ولی به رغم پذیرش شریعت اسلامی در کشور با فراموشی اصول حاکم بر معماری و شهرسازی سنتی و جداسازی تکالیف فردی شهروندان و مسئولیت اجتماعی آنها که عموماً توسط برنامه‌ریزان و طراحان شهری صورت گرفت، کیفیت زندگی در شهرها به شدت کاهش یافته است. لاوسون<sup>۱</sup> درباره اهمیت جایگاه طراحان می‌گوید وقتی در جامعه‌ای تغییری ناگهانی و سریع پیش می‌آید که از نظر فرهنگی بازگشت‌ناپذیر است و عموماً با تهاجم فرهنگی کشورهای غربی صورت گرفته (گاه در قالب کمک‌های مالی به منظور تطابق نهادهای مالی جوامع سنتی با غربی) و موجب حذف الگوی معماری و شهرسازی حرفه‌مند و مردم‌گرای سنتی می‌شود، نقش و وظیفه طراحان اهمیت بیشتری می‌یابد (لاوسون، ۱۳۸۷، ص ۲۴-۲۶).

با توجه به اینکه هر اثر هنری و از جمله آثار معماری، نمودار اخلاق فردی و حرفه‌ای خالق آنها در تطابق با محیط جغرافیایی و فرهنگی است، معماری و شهرسازی باید نمادی از تحقق قواعد و مقررات شریعت اسلامی در زندگی فردی-اجتماعی باشند. شارحان قرآن و حدیث معتقدند: بهترین راهی که انبیا علیهم‌السلام برای ساختار جامعه مدنی انتخاب کرده‌اند این است که انسان

1. lavson

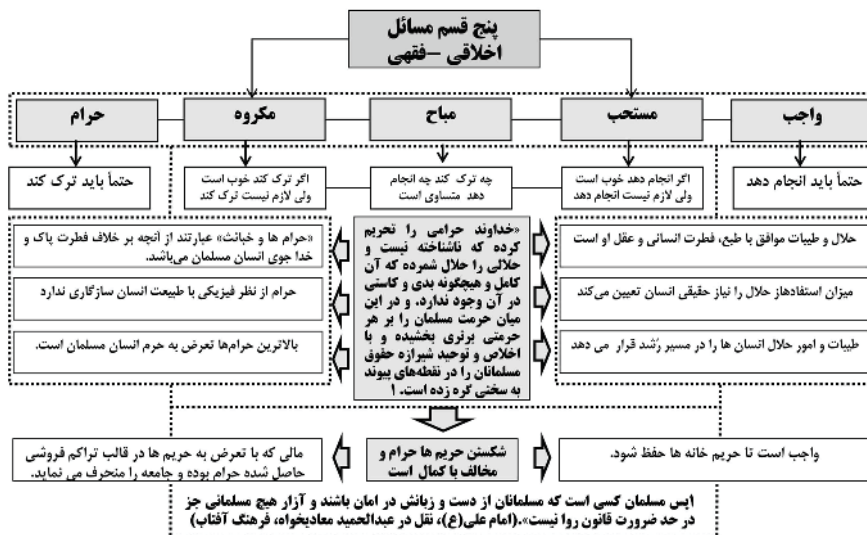
را در مقاطع گوناگون، فاضل به بار آورند؛ فقط انسان‌های فاضل هستند که جامعه و مدینه فاضله را می‌سازند و هرگز مهندس و یا معمار نمی‌تواند مدینه فاضله بسازد. مهندس یا معمار، معیاری ارزشی طلب می‌کند که به استناد آن خانه خوب بسازد، و مانند باغبانی است که برای او فرق نمی‌کند «خضر» و گل‌های زیبا را در مزبله بکارد و یا در غیر آن؛ دین در عین حال که به همه علوم سودمند بها می‌دهد و با چشم تکریم به آنها می‌نگرد، معیار ارزشی بهره‌وری از دانش‌ها را ابتدا ارائه می‌کند و در مرحله بعد، اصول و اسلوب فنی را محترم می‌شمارد؛ ولی زیربنای اولیه را انسان‌های آزاده می‌داند. هر انسانی می‌کوشد در فضای مدینه فاضله به سر برد؛ اما مدینه فاضله را انسان مهذب می‌سازد که در پرتو تعالیم اخلاقی انبیاست (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۶-۲۳۷).

نظام سرمایه‌داری غرب به ظاهر زیباست، اما جز فساد و ظلم، چیزی از آن نظام مشهود نیست: اینها همان «خضر» الدمن» هستند که در بیانات نورانی رسول اکرم ﷺ آمده است: «ایاکم و خضر» الدمن»؛ یعنی از گل زیبایی که در مزبله‌ها می‌روید پرهیز کنید؛ ... نظام غرب نیز «خضر» الدمن» است؛ یعنی ساختمان‌ها، شهر و وضع زندگی آنها، زیبا و سرسبز است؛ اما رذایل اخلاقی و تیرگی‌های درونی اینها، «دمن» و مزبله است (همان، ص ۲۳۱).

بدیهی است که پیروی از اصول و ارزش‌های سرمایه‌داری چه در اقتصاد و چه در شهرسازی، گرچه ممکن است ظاهر جامعه را زیبا نشان دهد، ولی باطن آن را از اخلاق و معنویت تهی خواهد ساخت. آنچه انسان‌ساز و جامعه‌ساز است، اخلاق است.

اخلاق یعنی عمل کردن بر اساس خُلق و خُلُق. در عالم ماده هیچ شیئی نمی‌تواند بی‌اخلاق باشد؛ چون بی‌خُلق نیست؛ چون هر شیئی خُلق خاص دارد پس اخلاق خاص هم دارد. اخلاق یعنی هندسه‌ای (نظامی) اندازه‌مند و تعریف‌شده و باهدف، که این مخلوق برای رسیدن به هدف باید در این چارچوب تعریف‌شده از اندازه‌ها و رفتارهای اندازه‌مند گوناگون، متعامل، متشارک و... عمل کند. اخلاق، نظام کنترل‌کننده رفتارهاست، خُلق هم همان هندسه ذاتی است (علی‌آبادی، ۱۳۸۴).

شکل شماره ۱. از حریم خانه تا حلال و حرام در ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی (منبع: نگارنده)



انسان بی‌اخلاق و علم‌غیردینی که صرفاً در خدمت تسخیر دیگران و طبیعت قرار گیرد، اگر شهری نیز بسازد شهر مزاحمت‌ها، تعرض‌ها و نامالایمت‌ها می‌گردد.

بزرگان دینی همانند بوعلی سینا معتقدند که در تربیت علوم، شایسته است طلاب حوزه‌ها یا دانشجویان دانشگاه‌ها، ابتدا اخلاق را بیاموزند و آن‌گاه به ترتیب، علوم منطقی، طبیعی، ریاضی و الهی را فرا بگیرند. بزرگان دیگر علم اخلاق نیز همین روش را امضا کرده‌اند. اگر اخلاق نباشد، علمی که انسان فرا می‌گیرد اولاً در فراگیری آنها آلوده خواهد شد، ثانیاً در کاربرد آنها نیز صفا نخواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶).

برخی شارحان رساله الطیر بوعلی سینا از ارسطو نقل کرده‌اند که او تربیت علوم را به صورت اخلاقیات، منطقیات، طبیعیات، ریاضیات و الهیات تدوین کرد (همان، ص ۳۱۶).

بدیهی است که اگر اخلاق کاربردی و حرفه‌ای تعریف و در دانشکده‌های معماری و شهرسازی تعلیم داده می‌شد، موضوع رعایت حقوق شهر، شهروندان و همسایگان توسط مهندسان و برنامه‌ریزان شهری با اهتمام بیشتری پیگیری و رعایت می‌شد و صرف مجوز شهرداری، دلیلی برای هر گونه تعرض به حقوق دیگران نمی‌شد. اهمیت اخلاق موجب شده بود تا در شهر سنتی، مسلمانان (در هر کار و حرفه) هر یک از رفتارهای خود و از آن جمله اخلاق حرفه‌ای را در ترازوی

صفاتی چون «واجب»، «مستحب»، «مباح»، «حرام» و «مکروه» قرار داده (توجه شود به شکل شماره ۱)، درستی یا نادرستی آن را بسنجند و نسبت به انجام یا ترک آن اقدام کنند (علی‌آبادی و هاشمی، ۱۳۸۹ ب). نخستین گام در تهذیب روح، انجام واجب و ترک حرام است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۲). این مقاله بر آن است تا نشان دهد که میان اخلاق فردی و حقوق اجتماعی رابطه‌ای معنا دار وجود دارد و نظام حقوق مدنی و قواعد معماری و شهرسازی سنتی با توجه به این دو موضوع شکل گرفته و جنبه عینی یافته‌اند و دلیل نابسامانی کنونی شهرهای معاصر ایران دوری از این اصول و قواعد، و نگاه تک‌بعدی و سکولار به ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی است.

## ۲. روش تحقیق

با توجه به اینکه منابع و سرچشمه‌های اصیل هنر و معماری اسلامی، علم و حکمتی است که در قرآن و سنت وجود دارد (نصر، ۱۳۷۵، ص ۱۵)، برای فهم علت تأکید شریعت اسلامی بر ضرورت رعایت حقوق انسانی، از قبیل حق نفس، حق خانواده و همسایه تا کل امت اسلامی، به متون دینی و وحیانی مراجعه شد و با استفاده از قرآن کریم و تفاسیری چون المیزان و تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی و بهره‌گیری از احادیث معصومین علیهم‌السلام روش تحلیلی و توصیفی برای روشن ساختن نتایج تحقیق مد نظر قرار گرفت. در روش تحلیلی (جدول شماره ۱) که مطالعه مبتنی بر به‌کارگیری ابزارهای منطقی و رهیافت تحلیلی در دین‌پژوهی است، موضوع تحلیل مفهومی و تحلیل مبانی معرفتی گزاره‌ها دارای اهمیت است (قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۰-۲۶۰). در ادامه برای تطبیق قواعد اخلاقی با حقوق و قوانین بالاسری در ایران، به آرای اندیشمندان و حقوق‌دانان برجسته مراجعه کرده‌ایم و با توصیف و تحلیل برخی قوانین نشان داده‌ایم که این قوانین با اثرپذیری از اخلاق و فقه اسلامی تدوین شده‌اند و اگر این رویه در تدوین و تصویب ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی نیز طی می‌شد، قانون‌گذاری در این حوزه‌ها کمتر دچار بی‌عدالتی، تناقض و انحراف از اصول اسلامی می‌گشت.

جدول شماره ۱. طبقه‌بندی روش‌ها و روی آوردهای مطالعات دینی و روش تحلیلی-منطقی، مأخذ با تخلص از قراملکی، ۱۳۸۵

فرآیندهای عملیاتی مطالعه تحلیلی-منطقی (logical studies)	روی آوردهای (approaches) درون دینی در تفسیر و فهم قرآن کریم (واژه «درون دینی»، تخلص لفظ «درون متون دینی» (وحی: کتاب و سنت) است)	
تحلیل مفهومی: بیان و تحلیل معنای واژه و ساختار مفهومی است. تحلیل مبانی معرفتی: تحلیل اینکه گزاره یا نظریه بر چه مفاهیم بنیادی و چه گزاره‌های پایه‌ای استوار است. تحلیل لوازم منطقی: به تحلیل لوازم منطقی نظریه می‌پردازد.	قرآن به قرآن و قرآن به روایات	از حیث ابزار و روش (method)
	غیرمأثور ادبی، رمزی، علمی، فلسفی و عرفانی	
تحلیل گزاره‌ای: با هدف به دست آوردن معنای جمله شناخت زبان گزاره، ساختار صوری و محتوایی جمله و متن دارای اهمیت بوده و لذا جمله به صورت ساختار منطقی و زبانی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ۱-۲. ساختار منطقی: بررسی جایگاه گزاره از نظر حملی (قابل انحلال یا غیر قابل انحلال) و غیر حملی (شروطی، فصلی، عطفی) بودن است. ۲-۲. ساختار زبانی: بررسی ساختار نحوی و ساختار عرضی و طولی زبان (عرفی، فلسفی، شهودی، سمبلیک) گزاره انجام می‌شود.	از حیث الگو (paradigm) سمانتیکی (semantics) و هرمنوتیکی (hermeneutics)	
	روی آوردهای تلفیقی (به امور دینی)	روی آوردهای برون‌دینی (به امور دینی)
	تطبیقی (comparative studies)	تجربی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی (logical studies) تاریخی (historic studies) پدیدارشناختی phenomenology of religion وجودنگری
	میان‌رشته‌ای (interdisciplinary studies)	

### ۳. اخلاق و نقش راهبردی آن در تمدن ایرانی اسلامی

واژه اخلاق از لحاظ معناشناختی گستره بسیار وسیعی دارد؛ از جمله قوانین و معیارهای حاکم بر رفتار اعضای یک حرفه خاص که در معنای اخلاق حرفه‌ای<sup>۱</sup> به کار رفته است (بحرینی، ۱۳۸۹، ص ۷۵). واژه عربی اخلاق جمع خُلُق است که هم به معنای «شخصیت»<sup>۲</sup> است و هم به معنای «خصلت»<sup>۳</sup>. واژه «خُلُق» در قرآن دو بار، و در حدیث به کرات (غالباً به صورت جمع) به کار رفته است. این واژه تنها در تلفظ (و نه در نوشتار) با واژه خَلَق (که نوعاً به creation ترجمه می‌شود) متفاوت است. بنابراین خود واژه خُلُق با خَلَق مرتبط است. گفتنی است که خَلَق تغییرپذیر نیست، ولی خُلُق تغییرپذیر است و انبیا آمدند که خُلُق را تغییر دهند (غزالی، ج ۳، ص ۵۵). به عبارت دیگر، خُلُق و خوریشه در خلقت، یعنی در ماهیت بالفعل اشیا دارد. انسان‌ها برای پی بردن به کاربرد صحیح خصایل اخلاقی خویش، به هدایت انبیا نیاز دارند تا کیفیت تبدیل کردن رذایل به فضایل

1. professional ethics
2. character
3. character trait

را به آنها نشان دهند. به عبارتی، اگر آنان از شریعت پیروی کنند، اطمینان خواهند یافت که راه صحیحی را برگزیده‌اند. هدف اصلی هدایت تشریحی، این است که انسان‌ها را به سمت خُلُق و خوی جامعی به نام «عبودیت» سوق دهند. بندگان کامل با فنای بی‌چون و چرای خویش در پیشگاه خداوند از خود هیچ ندارند و در مقام بی‌مقامی جای گرفته‌اند (چیتیک، ۱۳۸۴، ص ۶۵-۷۵).

از جنبه‌ای دیگر، اخلاق به رفتار ارتباطی متعلق است. عده‌ای بر اساس ذومراتب بودن اخلاق، فروترین مرتبه اخلاق را رعایت حقوق طرف ارتباط دانسته‌اند. رعایت حقوق افراد فروترین مرتبه و فداکاری و ایثار و خیر رسانی فراترین مرتبه آن است. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام بیانگر مصادیق روشن الگوی اخلاقی مسئولیت‌پذیری در قبال حقوق افراد است که انسان‌ها را به مسئولیت‌پذیری در برابر حقوق دیگران ترغیب می‌کند. این حقوق شامل حقوق در ارتباط فرد با خداوند (حق‌الله)، حقوق در تعامل فرد با خویش (حق‌النفس) و حقوق تعامل و ارتباط با دیگران (حق‌الناس) است که مورد آخر از جمله حقوق شهروندی است (قراملکی، فلاح، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰-۱۵۵). کسانی همچون آلموند<sup>۱</sup> اخلاق حرفه‌ای را زیر مجموعه اخلاق کاربردی می‌دانند (آلموند، ۱۹۹۸). اخلاق کاربردی بخشی از اخلاق است که به مباحث و معضلات عملی به نحو خاص و مستقیم توجه دارد (بیوچامپ، ۲۰۰۵). آموزه‌های اخلاقی اسلام ماهیت کاربردی دارند. به همین دلیل اخلاق اسلامی به منزله یکی از عناصر زیرساخت تمدن ایران اسلامی، نقش راهبردی ایفا کرده است. یک‌پارچه‌خواهی در زندگی فردی و اجتماعی از دیگر خصلت‌های دین اسلام است که بر کارایی اخلاق اسلامی در ساخت تمدن می‌افزاید (قراملکی، ۱۳۸۷). اخلاق اسلامی بر رعایت حقوق افراد در تعادل اجتماعی تأکید فراوان دارد و عده‌ای اخلاق را بر اساس آن تعریف می‌کنند. یکی از حقوق شهروندان، حق حریم خصوصی است. کسانی که دغدغه اخلاق دارند و بر زیست اخلاقی تأکید می‌کنند، به رعایت این حق پایبندند. شریعت اسلامی که به دنبال یک‌پارچگی زندگی انسانی است، مهم‌ترین عامل وحدت در شهر سنتی می‌باشد (علی‌آبادی و هاشمی، ۱۳۸۹ الف). ماهیت فراگیر شریعت که عبادات تا معاملات را در بر می‌گیرد، یک‌پارچگی همه اشکال فعالیت را در قلب شهر اسلامی امکان‌پذیر می‌ساخته است. در شهر سنتی فضاهای ساخته شده برای داد و ستد، با فضاهای طراحی شده برای آموزش، ساخت اشیاء و

1. Almond



معاملات تجاری، زندگی خصوصی و فعالیت هنری دارای ارتباط متقابل بوده است. لازم به گفتن نیست که سکولاریزم این جنبه از وحدت و یکپارچگی تمام فعالیت انسانی در یک الگو و مطلوب الهی را ویران ساخت (نصر، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

#### ۴. تقسیم‌بندی حوزه‌های علوم اسلامی

غالب صاحب‌نظران، مجموعه تعالیم اسلامی را به سه بخش مرتبط، تقسیم کرده‌اند: با توجه به اینکه سه دانش اخلاق (خلق و خوی جوانحی) فقه (تکالیف جوارحی) و کلام (هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، مربوط به بخش معارف و اعتقادات)، در مطالعات سنتی مربوط به دین اسلام، سابقه‌ای طولانی داشته و اصولاً اسلام آنها را گسترش داده و یا همانند فقه در دامن اسلام متولد و رشد یافتند (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۳۱۱-۳۰۹؛ همچنین ر.ک: قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۵۰-۶۸).

لذا ضروری است که برای شناسایی اصول شهرسازی و معماری اسلامی-ایرانی به این حوزه‌ها توجه شود. (شکل ۲). هدف دین‌پژوهی در نگرش سنتی، تفسیر و فهم آموزه‌های دینی و توجیه آنها و استدلال بر حقانیت آنهاست؛ درحالی‌که هدف دین‌پژوهی در نگرش جدید، توصیف و تبیین پدیده‌های دینی است (قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۴۹-۵۱).

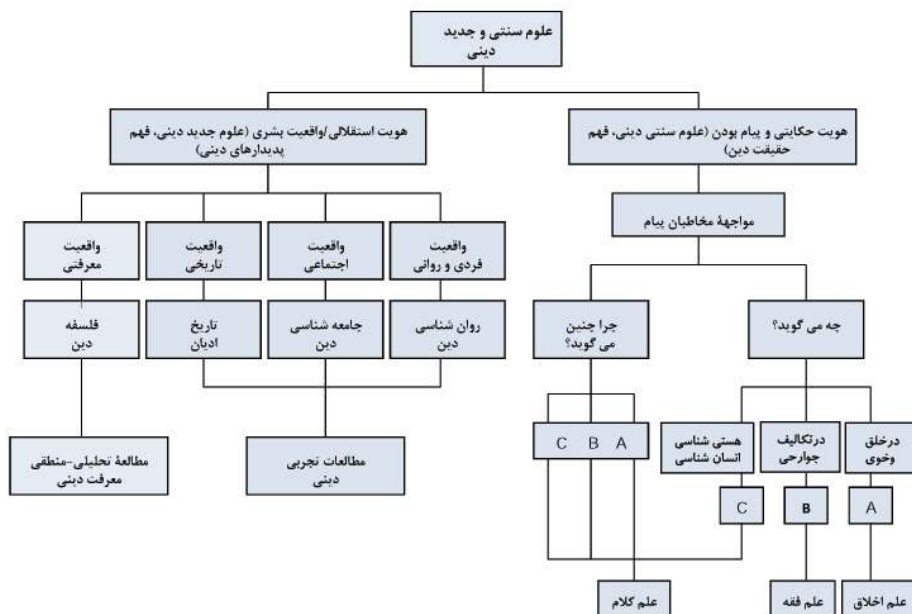
#### ۴-۱. از حلال و حرام شریعت تا حریم خصوصی خانه

با توجه به معنای اصطلاحی دین که آن را مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی می‌دانند که برای اداره امور جامعه و پرورش انسان‌ها نازل شده است، دین حق برای تعلیم صحیح قوانین خود، اصول و مبانی نظری آن را نیز در بر دارد» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱).

پس اگر تعریف دین را «قانون» و «حد» و «قدر» بگیریم سرتاسر زندگی انسانی حریم و حرم است و صورت حلال و حرام هر فعلی در هر یک از آن حریم‌ها مشخص گردیده است. دین اسلام نیز حرم و حریمی است که در آن برای انجام هر فعل انسان حدودی کیفی و کمی مشخص گردیده است، و بر هر یک از آنها حقوقی معین و مقدر شده است. نکته اساسی این است که این حریم‌ها و مجموعه آنچه توسط آنها محافظت می‌گردد همگی از «طیبات» هستند و «طیبات» عبارت‌اند از آنچه مطابق و هماهنگ با فطرت

الهی انسان است. و آنچه از افعال که فرد مؤمن از انجام آنها نهی شده و با عنوان «حرام» مشخص گردیده، «خبائث» نام نهاده شده‌اند، و «خبائث» عبارت‌اند از آنچه بر خلاف فطرت پاک و خداجوی انسان مسلمان می‌باشد، و از نظر فیزیکی نیز با طبیعت انسان سازگاری ندارد (علی‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۰).

شکل شماره ۲. مدل‌سازی گستره‌های مختلف دین‌پژوهی در حوزه علوم اسلامی (منبع: قراملکی، ۱۳۸۵)



علامه طباطبائی می‌گوید: حلال عبارت است از آنچه با طبیعت قوا و اندام‌های انسان سازگار است و میزان بهره‌برداری از آنها را نیاز حقیقی انسان تعیین می‌کند و حرام اصولاً با این طبیعت ناسازگار است (شکل شماره ۱) (طباطبائی، ج ۱۲، ص ۳۴۴ و ج ۱، ص ۶۳۱. نقل در جامع تفسیر نور). لذا بر اساس تعالیم اسلامی، انجام طبیعت و امور حلال، انسان را در مسیر رشد قرار می‌دهد و پرداختن به خبائث و امور حرام، او را از مسیر کمال دور می‌سازد. در حدیثی که در شکل شماره ۱ ذکر شد، امام علی علیه السلام پس از تعریف حلال و حرام بالاترین حرم‌ها را حرم انسان مسلمان می‌داند و احترام و حفاظت از این حرم را حقی روشن و فرض بر گردن تمامی افراد جامعه اسلامی (ر.ک: مجلسی (۱۴۰۳)، ج ۳۲، باب ۱، روایت ۲).

بدیهی است که حریم بصری این حرم نیز نباید مورد تعرض قرار گیرد. امری که در مطالعات میدانی و در کشورهای مختلف نیز تجربه شده، نشان می‌دهد که «حریم خصوصی به عنوان یک علاقه بنیادین انسان در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شود. این حریم مکانی است که دارای حدود است و نباید بدون دلیل مورد تعرض قرار گیرد» (هانسن، ۲۰۰۸، ص ۱۲۹).

حفظ حریم خصوصی ناشی از گرایش ما در کنترل محیطمان است. چنین حریمی، مکانی برای بیان اسرار و نظرخواهی از دیگران، تفکر در وجود خود و تعیین نوع ارتباط با دیگران است و موجب بالا رفتن قدرت تصمیم‌گیری و محل آزاد شدن هیجان‌ات ماست (گیفورد، ۱۹۹۷، ص ۱۸۰). پس در جامعه اسلامی وقتی امکان نگرستن به درون خانه دیگران فراهم شود، عملاً حریم خصوصی و حریم بصری آنها مورد تعرض قرار می‌گیرد؛ حریمی که اسلام حق داشتن آن را محترم و احترام آن را بر هر فرد مسلمان فرض می‌داند.

رابطه اخلاق و حقوق در جوامع بشری، چه اسلامی و چه غربی دارای اهمیت بوده است. کانت می‌گوید:

به شیوه‌ای رفتار کن که قاعده کار تو بتواند اساس قانون‌گذاری جهانی قرار گیرد؛ و با اهمیت قائل شدن به اخلاق در معاشرت‌های اجتماعی می‌گویی: دیگران را به سان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف‌های خود منگر؛ به آنان چنان نظر کن که گویی هدفی را در خود دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

## ۵. تأثیر اخلاق، فقه و حقوق بر شهرسازی مسلمین

نظام معماری شهر سنتی علاوه بر تأثیرپذیری از اخلاق اسلامی به عنوان منبع اصلی، ناشی از اجرایی شدن فقه و حقوق اسلامی و الگوهای رفتاری شریعت اسلامی است.

در کشورهای اسلامی احکام فقهی به مثابه قوانینی کلی به شمار می‌رفتند که ساختار ابنیه شهری را منظم می‌کردند. این احکام از مفاهیم اصیل اسلامی از قبیل حق مالکیت خصوصی و آزادی تصرف در آنها و... بر اساس معاملات مختلف اسلامی برگرفته شده‌اند؛ ولی این آزادی مطلق نبوده و بر اساس قواعدی چون قاعده «لاضرر» دارای حد و مرزی می‌شود؛ لذا شکل ظاهری بناهای شهرهای اسلامی نیز تحت کنترل بوده و گسترش شهر تابعی از قوانین «جلب منفعت و دفع ضرر» بوده است (عبدالستار، ۱۳۷۶، ص ۱۲۲-۱۲۳).

در این میان تقوا پیشه کردن و رعایت اخلاق اسلامی، از مرتبه بالایی نزد جامعه مسلمین برخوردار بوده است.

کمترایه‌ای در قرآن تلاوت تلاوت می‌شود که در صدر یا وسط یا ذیل آن، مسئله تقوا و اخلاق بازگو نشود. در بیانات نورانی امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: «التقی رئیس الاخلاق» (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۰)؛ ریشه، ساقه و ثمره هر فضیلت خلقی، تقواست (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۷).

در فقه و معارف اسلامی، نه تنها حقوق از دریای اخلاق جدا نیست، بلکه اساس و شالوده سیاست، اقتصاد آموزش و تربیت و به طور کلی اساس اجتماع، بر اخلاق و معنویت استوار است (اصغری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱). به نظر بسیاری از حکیمان، مبنای اصلی حقوق، عدالت است؛ یعنی قانون‌گذار باید از قواعد عدالت پیروی کند، و پیروان قانون در صورتی که دستورهای حکومت را عادلانه ببینند، به پیروی از آن ملزم هستند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۲۰).

در حقوق (وضع شده) که نیروی سیاسی دولت پشتیبان قواعد آن است، بی‌اعتنایی مردم به قوانین تا اندازه‌ای جبران می‌شود؛ ولی در اخلاق، که باید انگیزه درونی ضامن اجرایش باشد، سست کردن اعتقاد عموم و تنزل دادن اخلاق تا حد عادات و رسوم، خطرناک است؛ زیرا اگر اعتقاد و ایمانی در کار نباشد، دیگر چه عاملی می‌تواند از فساد اخلاق عمومی جلوگیری کند؟ (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳). بنابراین حکمرانان باید قوانین حقوقی را متناسب با قواعد اخلاقی تدوین کنند و از اعمال قاعده حقوقی مغایر با اخلاق حسنه جامعه بپرهیزند.

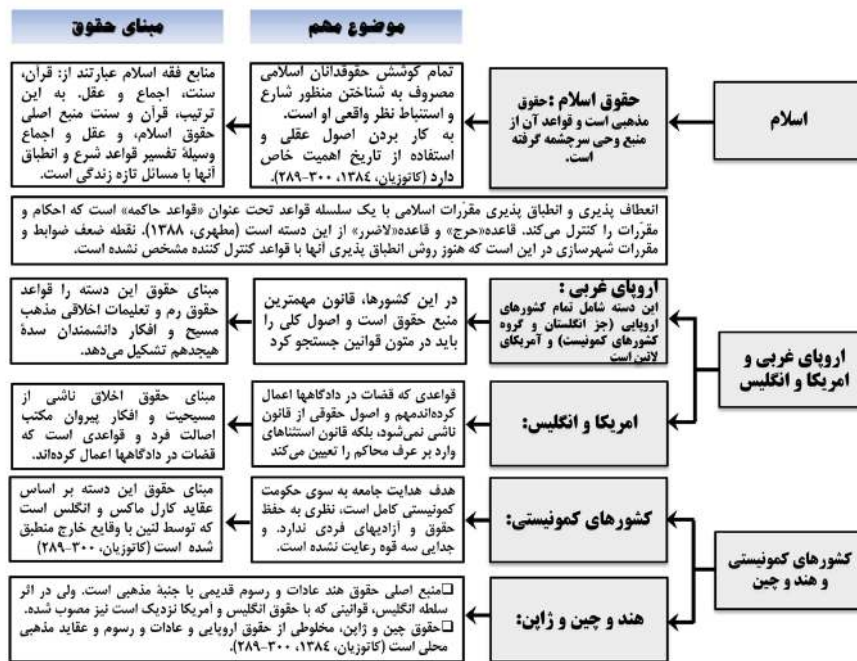
شکل شماره ۳. تقسیم‌بندی قوانین مطابق با منابع حقوق (منبع: کاتوزیان، ۱۳۸۴، با تلخیص)



اخلاق به دنبال اصلاح فرد است تا جامعه اصلاح شود. به عبارتی اصلاح جامعه لاجرم از اصلاح فرد آغاز می‌گردد. «هر قاعده اخلاقی‌ای که از طرف دولت حمایت و اجرای آن تضمین

شود، به قواعد حقوقی می‌پیوندد» (همان، ص ۱۹۴). اخلاق را نباید یکی از مبانی ساختن حقوق دانست. اخلاق عامل اصلی ایجاد حقوق و نیرویی است فعال که آن را هدایت می‌کند و توانایی از بین بردن قواعد حقوقی را دارد (همان، ص ۱۷۸، به نقل از رپیر). در حوزه اخلاق، هم تربیت فرد و هم تربیت اجتماع، هر دو مهم است و اصلاح اجتماع، لاجرم با اصلاح تک تک افراد رقم می‌خورد. با این حال اگر اجتماع بد باشد، توجیهی برای بد شدن فرد نخواهد بود.

شکل شماره ۴. نظام‌های حقوقی معاصر (منبع: نگارنده)



۶. قواعد اخلاقی-فقهی قانون مدنی و رعایت حریم خانه و همسایه در محلات شهری  
 نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف را می‌توان به پنج گروه تقسیم کرد که بر مبانی و اصول گوناگونی شکل گرفته‌اند و در شکل شماره چهار ذکر شده‌اند. هرچند نظام حقوقی ما جزو کشورهای اسلامی است و همه مقررات مربوط به خانواده و قوانین کیفری و بسیاری از قواعد معاملات خود را از حقوق امامیه گرفته‌ایم، اما سازمان‌های حقوقی و تشکیلات محاکم ما به به حقوق اروپای غربی هم نزدیک است. قانون مدنی ایران از نظر محتوا کاملاً فقهی و اسلامی است، ولی از نظر ساختار

و تنظیم مباحث همانند قانون مدنی فرانسه است. در زمان تصویب آن، نظام منضبطی توسط شهید مدرس تنظیم شده بود و عده‌ای از حقوق‌دانان برجسته که در دادگستری کار می‌کردند، در کنار مجتهدان عالی مقامی که در مجلس حضور داشتند، به تنظیم آن اقدام کردند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۳-۲۶۴). مهم‌ترین مواد قانون مدنی مرتبط با موضوع حقوق شهروندی و رعایت حریم همسایه، در جدول شماره ۲ ذکر شده است.

جدول شماره ۲. قاعده «لا ضرر» در قانون اساسی و قانون مدنی ایران (منبع: نگارنده)

کلمات کلیدی	قاعده «لا ضرر» در قانون اساسی و قانون مدنی و حریم بصری خانه
ضرورت اذن و رفع ضرر	ماده ۱۳۰ قانون مدنی: کسی حق ندارد خانه خود را به فضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن او خروجی بدهد ملزم به رفع آن خواهد بود.
ممنوعیت ضرری غیر عرفی	ماده ۱۳۳ ق.م: کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.
عدم ضرر به همسایه	ماده ۱۳۳: کسی نمی‌تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در باز کند اگر چه دیوار ملک مختصی (مخصوص شده) او باشد لیکن می‌تواند از دیوار مختص خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد ولی همسایه هم می‌تواند جلوی روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود.

- به موجب ماده ۳۰ ق.م: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.» (قاعده تسلیط)

در اصل ۴۴ قانون اساسی «حق مالکیت» وسیله ای است برای حفظ منافع عمومی و تنها در صورتی مورد حمایت قرار می‌گیرد که شیوه کسب و اجرای آن در مسیر هدفهای قانون گذار باشد و آخرین مرز آزادی مالک این است که «مایه زیان جامعه نشود».

در اصل ۴۰ قانون اساسی نیز ذکر شده که: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۱۰۶)

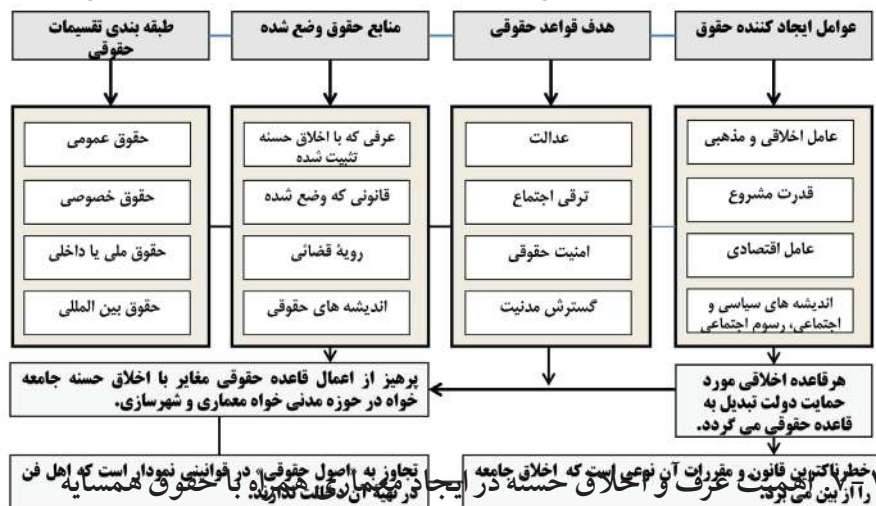
گفتنی است که میان احکام ناشی از فقه و قوانینی که پس از مشروطیت در ایران تصویب شده‌اند (غیر از قسمت مهمی از قانون مدنی، جدایی و حتی مغایرت وجود دارد:

پس از مشروطیت، مذهب در زمره قواعد اخلاق در آمد و از نظر منبع، با حقوق تفاوت پیدا کرد. منشأ قواعد مذهب احکام الهی است، ولی منبع اصلی حقوق موضوعه قانون است. وضع بدنه نظام حقوقی در جمهوری اسلامی نیز کم‌وبیش حفظ شده و تنها در دو مورد تحول چشمگیر است: ۱. در حقوق کیفری که قوانین اسلامی جانشین قانون مجازات شد؛ ۲. فصل دعاوی در فرضی که قانون حاکم بر آن معلوم نیست که اصل ۱۶۷ قانون اساسی منابع و فتاوی معتبر اسلامی را حاکم ساخت. طبیعت قواعد حقوق تا جایی که اتکای خود را فقط بر عقل قرار دهد به پایداری قوانین مذهبی که استحکام خود را از شرع می‌گیرند، نمی‌رسد. فقه اسلامی یکی از این گونه قوانین است که به نام قانون الهی به جامعه بشر اعطا شده و به عقیده عموم پیروان بلکه به نظر انصاف و به حکم خرد، تعلیم حکمت، تزکیه نفس و تنظیم اجتماع به کامل‌ترین وجه، این قانون الهی قابل استفاده است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۲۰۶).

## ۷. مبنا و نیروهای سازنده حقوق

همان‌طور که خوبی و بدی پزشکی، نه از روی سلیقه، بلکه بر اساس علم و علت است، خوبی و بدی مسائل اخلاقی نیز بر اساس تجرد روح و واقعیت است نه از روی سلیقه؛ مثلاً رعایت امانت، اخلاق، صدق، تقوا و ادب، اصولی کلی و جاوید برای همه در همه سرزمین‌هاست. از این‌رو در این‌گونه مسائل، تعبیرات قرآن کریم چنین است: «یا ایها الناس؛ ﴿وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ﴾ (مدثر: ۳۱)؛ «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان: ۱). مخاطب اصلی در این موارد، ناس، بشر، انسان، فرزند آدم و مانند آنهاست (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹-۱۲۵). عادات و رسوم اجتماعی و وضع جغرافیایی و اقتصادی و تعلیم‌های مذهبی، در هر قوم اخلاقی به وجود می‌آورد که قانون‌گذار و دادرسان، در ایجاد قواعد حقوق، از آن الهام می‌گیرند. به گفته افلاطون: «در هر جامعه انسانی، نظم و صلح و هماهنگی وابسته به تربیت اخلاقی و روحی مردمی است که آن را تشکیل داده‌اند». مبناي حقوق را به‌تنهایی نمی‌توان عدالت، یا جبر تاریخ، یا اراده طبقه حاکم شمرد. تمام عواملی که تمدن و اخلاق ملتی را رقم زده‌اند، در ایجاد حقوق آن ملت مؤثرند و از جمله آنها، عامل اخلاقی و مذهبی است (این دو نیرو را باید در شمار مبانی حقوق آورد) (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲-۱۱۵؛ بنگرید به شکل شماره «۵»). یکی از اهداف اصیل انبیا تأمین و تأسیس مدینه فاضله با رعایت عدالت است؛ لذا هیچ قاعده و قانونی در حوزه زندگی شهری نباید رذایل را رشد و فضایل اخلاقی را کاهش دهد.

شکل شماره ۵. مدل‌سازی اهداف، منابع و عوامل ایجادکننده حقوق از منظر «کاتوزیان» (منبع: نگارنده)



عرف، قدرت و نقش مهمی در حقوق کنونی ایران دارد و این وضعیت، پیش و پس از انقلاب مشهود است. به طور خلاصه، می‌توان مبنای قدرت عرف را از نظر ارکان داخلی‌اش، طبیعت انسان و زندگی اجتماعی او دانست؛ ولی از نظر ساختن قواعد حقوقی دخالت دولت در حمایت از آن ضروری است؛ خواه این دخالت به صورت اجازه قانون‌گذار باشد و خواه تأیید رویه قضایی. به نظر دوگی<sup>۱</sup>، جامعه‌شناس و استاد حقوق اساسی فرانسه، عرف سازنده قواعد حقوقی نیست؛ نماینده اصولی است که از پیش در جامعه وجود داشته و وجدان بخش بزرگی از مردم، آن را لازمه زندگی اجتماعی دانسته است. به نظر او، عرف عهده‌دار اجرا و سازمان‌دهی بنیادها و اصولی است که ساخته وجدان مردم است. دوگی معتقد است که قواعد عرف، از قواعد سازمانی<sup>۲</sup> هستند نه از اصول بنیادی<sup>۳</sup> و به همین سبب اعتبار آنها نیز از همان اصول ایجادکننده عرف ناشی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۴۲۶).

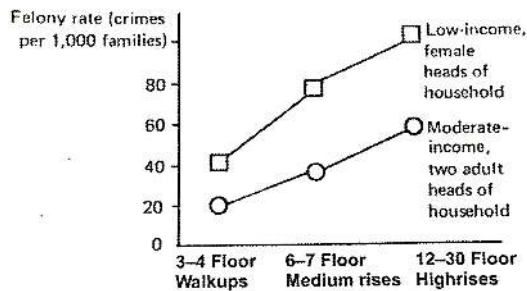
با اینکه در کشور ما «حقوق نوشته و مدون» احترام فراوان دارد و منبع اصلی حقوق قانون است، عرف نیز در ساختمان قواعد حقوقی اثری بسزا دارد؛ درحالی‌که بسیاری از قوانین به تقلید از حقوق اروپایی و بی‌توجه به ویژگی‌های تاریخی و اخلاقی ما تدوین شده‌اند. در نتیجه مردم در هر جا که قانون حکم خاصی ندارد، قواعد مذهبی را به صورت عرف و عادت بین خود مرسوم می‌کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به نفوذ عرف‌های مذهبی در نظام حقوقی دامن زده است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۴۲۷-۴۳۰).

لذا عرفی که در جامعه ما از اصول و باورهای مذهبی و به‌ویژه روابط اخلاقی همسایه‌ها شکل گرفته بود، نباید با تعرض و تهدید روبه‌رو می‌شد.

مواردی که موجب حذف حریم از خانه و حیاط آنها شده معضلات اخلاقی غیر قابل‌تصور را به جامعه بار نموده است. افزایش میزان جرم و جنایت با نوع معماری و شهرسازی به‌خصوص افزایش ساختمان‌های بلندمرتبه نسبت مستقیمی دارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳).

1. duguit
2. Regles Constructives
3. Regles Normatives





با توجه به نمودار روبه‌رو، خانواده‌های تک‌سرپرست تقریباً دو برابر بیشتر از خانواده‌های دو سرپرست، در معرض خطر قرار دارند و هرچه ارتفاع ساختمان بیشتر شود، نرخ جرم بالاتر می‌رود. اعداد زیر رفتار ساکنان را در رابطه با افزایش اندازه یک مجتمع نشان می‌دهد:

۱. استفاده از فضای مشاع (۵۰٪)
۲. تعامل اجتماعی با همسایه‌ها (۳۱٪)
۳. احساس کنترل فضاهای عمومی در داخل و خارج از مجتمع (۲۹٪)
۴. ترس ساکنان از وقوع جرم (۳۸٪)
۵. ناپایداری اجتماعی (۳۹٪).

شکل شماره ۶. فاکتورهای کالبدی و تأثیر متقابل آنها بر فاکتورهای اجتماعی و میزان جرم (نیومن، ۱۳۹۰، با تخلص)

مطالعه مقایسه‌ای اسکار نیومن<sup>۱</sup> درباره خانه‌های عمومی بلند و کم ارتفاع شهر نیویورک که در کتاب فضای قابل دفاع خلاصه شده، نشان می‌دهد که ارتفاع ساختمان‌ها با میزان وقوع جرم و جنایت در خانه‌های عمومی رابطه مستقیمی دارد (جرم و جنایت در فضاهای داخلی ساختمان‌های مسکونی با بیش از ۱۳ طبقه ۳۸٪ بیش از ساختمان‌های سه طبقه است). این مثالی از همبستگی میان یک متغیر کالبدی (ارتفاع ساختمان) و متغیری اجتماعی (میزان جرم و جنایت) است (گروت و وانگ، ۱۳۸۴: ۸۹). ساختمان‌های بلند حتی تعاملات ساکنان با همسایه‌ها را به شدت کاهش داده است (شکل شماره ۶).

## ۸. شورای عالی شهرسازی و مصوبات ناسازگار کمیسیون ماده پنج با اصول شهرسازی اسلامی-ایرانی

یکی از مسیرهایی که امکان بی‌عدالتی و تخلف را در حوزه شهری فراهم آورده، کمیسیون ماده پنج طرح تفصیلی است. در بررسی وظایف و اختیارات کمیسیون ماده پنج شورای عالی شهرسازی، با برخی مصوبات آن روبه‌رو می‌شویم که نشان‌دهنده تأثیر فراوان آنها در تغییر فضای شهر برای درآمدزایی شهرداری است. همان‌گونه که مجلس شورای اسلامی جایگاهی ویژه در نظام

1. oscar newman

قانون‌گذاری کشور دارد، در موضوع معماری و شهرسازی، این جایگاه متعلق به شورای عالی شهرسازی و معماری است. مطابق با ماده یکم قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران: «برای هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی به منظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم همچنین به منظور اعتلای هنر معماری ایران و رعایت سبک‌های مختلف معماری سنتی و ملی و ارائه ضوابط و جنبه‌های اصیل آن با در نظر گرفتن روش‌های نوین علمی و فنی و در نتیجه یافتن شیوه‌های اصولی و مناسب ساختمانی در مناطق مختلف کشور با توجه به شرایط اقلیمی و طرز زندگی و مقتضیات محلی، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تأسیس می‌شود».

شورای عالی علاوه بر اظهار نظر درباره لوایح و آیین‌نامه‌های شهرسازی، عهده‌دار تصویب طرح‌های توسعه و عمران در مقیاس ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی و بررسی و تصویب ضوابط و مقررات شهرسازی است. در بند چهارم از ماده دوم قانون تأسیس آن، تصریح شده است: «این‌گونه ضوابط که با هدف فراهم شدن موازین اجرایی و قانونی توسعه موزون و هماهنگ کالبدی کشور تهیه می‌شوند، با توجه به دامنه شمول و تأثیرگذاری وسیع آنها بر توسعه و عمران کشور، یکی از پایه‌های اصلی نظام طرح‌ریزی و کنترل توسعه کالبدی کشور می‌باشند» (هاشمی طغرالجردی، ۱۳۹۵). براساس مواردی چون ماده هفتم قانون تأسیس این شورا: «شهرداری‌ها مکلف به اجرای مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران طبق مفاد ماده (۲) شده‌اند».

در سه دهه گذشته، بخش مهمی از مصوبات و ضوابط شورای عالی شهرسازی در جهت کمک به درآمدزایی شهرداری‌ها بوده است. لذا این مصوبات در مواردی با یکدیگر و با قوانین فرادستی مغایرت دارند. در کنار این وضعیت، به علت اینکه در ساختار شورای عالی شهرسازی نهاد مشخصی برای انطباق مصوبات شورا با شرع مقدس اسلام و با قوانین مرجع تعریف نشده، این امکان فراهم شده تا تصمیمات سیاسی و مقطعی با جنبه‌های غیرکارشناسی در مهم‌ترین نهاد سیاست‌گذاری علمی در موضوع معماری و شهرسازی کشور رسوخ کنند و تأثیرات مخربی را بر ساختار کالبدی و اجتماعی برجای نهند.

یکی از دلایلی که شهرداری‌ها را به سمت تقاضا برای دریافت مجوز فروش تراکم از شورای عالی شهرسازی و معماری کشانده، موضوع ضرورت خودکفایی شهرداری‌هاست که بر اساس قانون بودجه سال ۱۳۶۲ مصوب شده است و دولت موظف شده لایحه درآمد پایدار شهرداری‌ها را طی شش ماه به مجلس تقدیم کند؛ اما پس از سی سال هنوز این لایحه ارائه نشده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳).

بنا بر ماده پنج قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی در کمیسیون استانی انجام می‌شود، ولی تغییرات بعدی نقشه‌های تفصیلی، اگر در اساس طرح جامع شهری مؤثر باشد، باید به تأیید شورای عالی شهرسازی برسد.

**تبصره:** شهرداری پایتخت از شمول این ماده همچنین طرح‌های تفصیلی موضوع بند سوم ماده چهار و بند چهارم ماده مذکور مستثنا خواهد بود.

اگرچه اختیارات کمیسیون ماده پنج با توجه به بند مذکور در نظارت بر تهیه طرح تفصیلی تهران و نظارت در اجرای مراحل مختلف آن محدود شده بود، ولی شورای عالی شهرسازی و معماری با توجه به اهمیت پایتخت، به اتفاق اعضا با همراهی شورای نظارت بر گسترش شهر تهران بر این کار نظارت می‌کردند؛ اما در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۴ و با اصلاح تبصره ذیل ماده پنج قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی، نحوه رسیدگی به طرح‌های تفصیلی در شهر تهران مشخص شد و در اختیار اعضای محدودتری قرار گرفت که از ارکان مهم آن شهرداری بود. دبیرخانه نیز بر خلاف رویه سابق (و حتی شهرهای دیگر که در سازمان مسکن و شهرسازی بود) در اختیار شهرداری قرار گرفت که در جدول شماره ۳ مذکور است.

### جدول شماره ۳. اعضای اصلی و ناظر در کمیسیون ماده پنج شورای عالی شهرسازی و معماری

افراد مؤثر و اعضای کمیسیون ماده (۵) شورای عالی شهرسازی و معماری در تهران و کل کشور	
ریاست استاندار یا فرماندار کل به عضویت: رئیس انجمن شهرستان - شهردار پار - نمایندگان وزارت فرهنگ و هنر - آبادانی و مسکن - نماینده مهندس مشاور تهیه‌کننده طرح	سال ۱۳۵۱ در کشور به غیر از تهران:
شورای عالی شهرسازی و معماری کشور و شورای نظارت بر گسترش شهر تهران	در تهران:
محل دبیرخانه کمیسیون در شهرداری و دبیر آن شهردار تهران و یا نماینده تام‌الاختیار او به عضویت نمایندگان وزراء مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو (در حد معاونت مربوطه)، سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست و شهردار تهران یا نماینده تام‌الاختیار او و رئیس شورای شهر تهران	سال ۱۳۶۵ در تهران:
به ریاست استاندار (و در غیاب وی معاون عمرانی استانداری) و با عضویت شهردار و نمایندگان وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی و همچنین رئیس شورای اسلامی شهر ذی‌ربط و نماینده سازمان نظام مهندسی استان (با تخصص معماری یا شهرسازی) بدون حق رأی	سال ۱۳۸۸ در کشور به جز تهران:
شهردار تهران (رئیس کمیسیون)، معاونین ذی‌ربط وزراء مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو، جهادکشاورزی و معاونین رؤسای سازمان‌های حفاظت محیط زیست و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و همچنین رئیس شورای اسلامی شهر تهران بدون حق رأی، در صورت فقدان شورای اسلامی شهر در تهران، نماینده وزیر کشور و در سایر شهرها نماینده معرفی شده از سوی استاندار به جای رئیس شورای اسلامی شهر	در تهران:
<b>نکته:</b> ۱. تا قبل از سال ۱۳۶۵ شورای عالی معماری و شهرسازی و شورای نظارت بر گسترش شهر تهران به عنوان نهاد حکومتی بر تصمیمات شهر تهران نظارت داشتند. ۲. از سال ۱۳۶۵ شهرداری تهران هم پیشنهاددهنده شد هم تصویب‌کننده و هم ناظر اجرا گردید. ۳. شورای اسلامی شهرها که دارای حق رأی بودند پس از سال ۱۳۸۸ فقط ناظر و بدون حق رأی شدند. ۴. در کمیسیون سازمان نظام مهندسی به عنوان مجموعه تخصصی فقط ناظر بوده و حق رأی ندارد.	

به نظر بسیاری از صاحب‌نظران این موضوع هرچند تصمیم‌گیری را برای شهر تهران سریع‌تر کرد، ولی به همان اندازه جایگاه تصمیمات تخصصی را تنزل داده و در اختیار شهرداری قرار داد که خود براساس نیاز به فروش تراکم و کسب درآمد ناشی از تخلفات، گاه بیش از ۵۰٪ درآمد خود را از این طریق کسب می‌کرد. به عبارتی جایگاه تصویب‌کننده، جایگاه ناظر و جایگاه درخواست‌دهنده در یک مجموعه واحد قرار گرفت؛ اتفاقی که نه در نظام حقوقی هیچ کشوری پذیرفتنی است و نه با اصول عدالت همراهی دارد. اهمیت شهرسازی تهران و کنترل جمعیت در آن قبل از انقلاب موجب شده بود تا شورای نظارت بر گسترش شهر تهران ایجاد شود که در سال ۱۳۶۵ به بعد مورد بی‌توجهی قرار گرفت و در نهایت تعطیل شد.

**۹. دیوان عدالت و مصوبات کمیسیون ماده پنج شورای عالی معماری و شهرسازی**  
 اکنون این پرسش مهم باقی مانده که مردم چگونه در مقابل مصوباتی که با شرع یا قانون مخالف باشد امکان دادخواهی و شکایت دارند؟ برای پاسخ باید به دیوان عدالت اجتماعی و ساختار آن اشاره کرد.

برخی سازمان‌های دولتی با وضع تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها، پا را از حدود اختیارات قانونی خود فراتر می‌نهند و از این طریق به حقوق اشخاص تجاوز می‌کنند. از این رو برای نظارت بر عملکرد سازمان‌های دولتی، وجود مرجعی که ضامن اجرای عدالت و قانون در جامعه باشد احساس شد. از این رو دیوان عدالت اداری با توجه به اصول ۱۷۱ و ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تشکیلات قوه قضائیه ایجاد شد. در قانون اساسی از دیوان عدالت اداری به عنوان یک مرجع دادرسی نام برده شده است. وظیفه این دیوان در دو محور خلاصه می‌شود:

۱. رسیدگی به شکایات، تظلمات، اعتراضات شهروندان نسبت به مأموران واحدهای دولتی یا آیین‌نامه‌های دولتی و بازپس‌گیری حقوق آنها. بر این اساس، دیوان عدالت اداری نهادی است که بر آرای صادرشده در مراجع شبه قضایی (مراجع دادرسی خارج از قوه قضائیه) نظارت و به اعتراض‌ها و شکایت‌های مردم در این زمینه رسیدگی می‌کند؛
۲. فعالیت‌های دیوان عدالت اداری مانند دیوان عالی کشور، ایجاد وحدت رویه قضایی است (حقوق شهروندی، ص ۱۲۹-۱۳۳).

مهم‌ترین اصل در ضوابط معماری و شهرسازی اسلامی تبعیت از قواعد فقهی همچون قاعده «لاضرر» است که اجازه تعرض بدون ادای حق را به شهروندان نسبت به یکدیگر و همچنین

شهرداری نسبت به حقوق شهروندان نداده است. هم‌اکنون دیوان عدالت اداری در موارد خاصی که درباره مصوبات شورای عالی از جنبه مطابقت با شرع یا قانون شکایتی مطرح شود، برای مطابق با شرع بودن مصوبات شورا و مصوبات کمیسیون ماده پنج (که ممکن است سال‌های بسیاری به آنها عمل شود)، از شورای نگهبان استعلام می‌کند که این موضوع ضرورت اصلاح ساختار شورای عالی شهرسازی و معماری را بیشتر نشان می‌دهد. در زمان تصویب قوانین مجلس شورای اسلامی، نهاد مشخصی (شورای نگهبان) بر شرعی و حقوقی بودن آنها و عدم تناقضشان با قوانین فرادستی نظارت دارد؛ ولی خلاً این موضوع در شورای عالی، توان علمی و حقوقی این شورا را کاهش می‌دهد و موجب می‌شود تا بسیاری از مصوباتش نه تنها با شریعت اسلامی، بلکه با خود مصوبات در تناقض باشد. این موضوع اهمیت تقویت نهاد حقوقی شورای عالی شهرسازی و معماری را نیز نشان می‌دهد. البته به این مسئله مهم نیز باید پاسخ داده شود که چرا با اینکه در نظام حقوقی، مصوبه و ضابطه جدید بر قدیم ترجیح دارد، به رغم تصویب مصوبات جدید مخالف با تراکم‌فروشی و ضرورت رعایت اشراف و حقوق همسایگی، هنوز رویه ساخت بناهای مشرف بر یکدیگر ادامه دارد.

برای نمونه با مطالعه نامه استعلام دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۲ و پاسخ‌های شورای نگهبان به استعلامات رئیس دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۰۱ متوجه می‌شویم که موضوع مربوط به پانزده سال قبل است. اگر مجموعه‌ای همانند شورای نگهبان در ساختار شورای عالی شهرسازی و کمیسیون ماده پنج تعریف شده بود، موضوعات هم از نظر مطابقت با شرع کنترل می‌شدند و هم مشمول زمان نمی‌شدند و لازم نبود پس از شکایتی که انجام شده، دیوان عدالت اداری از شورای نگهبان استعلام کند و نتیجه مطابقت یا عدم مطابقت با شرع مشخص شود. در موضوعی که در ادامه می‌آید، شورای نگهبان شرعی بودن را موکول به اختیار قانونی کمیسیون ماده پنج در انجام این کار نموده است. پرسش این است که آیا اختیار قانونی شهرداری در موضوعی مانند تراکم‌فروشی، مجوز شرعی بودن آن می‌شود؟ از طرفی خود اختیاراتی که به کمیسیون ماده پنج داده شده، با اشکال کارشناسان روبه‌روست. رأی مذکور چنین است:

موضوع بند یک صورتجلسه شماره ۲۵ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۱۱ کمیسیون ماده پنج شهرستان اسلامشهر، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۰۱ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر فقها به شرح ذیل اعلام می‌گردد: در صورتی که کمیسیون ماده پنج مطابق قانون، اختیار جعل واگذاری بلاعوض مقداری از ملک اشخاص به شهرداری

را داشته باشد، مصوبه مذکور خلاف موازین شرع نمی‌باشد. از جهت مغایرت مصوبه با قانون، مرجع تشخیص، آن دیوان محترم است.

فروش تراکم مسکونی توسط شهرداری در واقع فروش درصدی از حقوق خصوصی شهروندان بدون کسب رضایت آنهاست و این، نوعی برداشت و تضییع مستقیم و غیرمستقیم حقوق مالکانه آنها به شمار می‌آید.

### ۱۰. رعایت عدالت و اخلاق در مرحله تدوین ضوابط و قوانین مدنی و شهری

در زمینه قانون‌گذاری، عالم حقوق دو وظیفه مهم به عهده دارد:

۱. در مرحله نخست باید بهترین و عادلانه‌ترین قواعد را بیابد. در این مرحله قانون‌گذار باید تمام عوامل محیط خارجی را با اجتماع خود مقایسه کند، و هنگام وضع قانون، اخلاق و مذهب و وضع سیاسی و اقتصادی و تاریخ ملت خود را از یاد نبرد؛
۲. سپس آنها را به زبان حقوقی درآورد و چنان منظم سازد که هیچ ابهامی در اجرای آن باقی نماند.

آنچه از مبانی مسئولیت در حقوق اسلام استنباط می‌شود، آن است که هیچ زبانی نباید بدون جبران باقی بماند. همین که زیان وارد شده ناروا و قابل انتساب به فعل زیانبار شخصی باشد، از نظر فقه اسلامی، آن شخص مسئول جبران خسارت وارده به زیان‌دیده است. در این فرمول کلی، فرقی نمی‌کند که عامل زیان، شخص حقیقی باشد یا حقوقی؛ دولتی باشد یا غیردولتی؛ موضوع خسارت از اموال باشد یا از ابدان؛ عین باشد یا منفعت. همین که از نظر عرف بتوان اضرار ناروایی را به کسی نسبت داد، او ضامن جبران خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۸۲). گفت‌وگو در ماهیت و مبانی اصول حقوقی بسیار است. گروهی اعتبار آنها را ناشی از «حقوق طبیعی» می‌دانند. جامعه‌شناسان «وجدان عمومی» را سازنده این اصول می‌شمارند؛ جمعی از قدرت عادات و رسوم سخن می‌گویند و دیگران داورهای عقل و احکام انصاف را مبنا قرار می‌دهند و سرانجام دسته‌ای «اصول حقوقی» را «روح حقوق هر کشور» می‌دانند و آن را به اراده قانون‌گذار متکی می‌سازند.

با این حال، دسته بزرگی از این «اصول» جنبه فنی و علمی دارد. حقوق‌دان زشتی تجاوز بدان را احساس می‌کند، لیکن توده مردم آن را نمی‌فهمند. ذوق سلیم جبران ضرر را لازم می‌بیند، ولی درباره ساختمان فنی «تعهد» و «تقصیر و اصول دادرسی» حکمی ندارد. هر نظام حقوقی ای اصولی دارد که تنها حقوق‌دان بر آن احاطه می‌یابد و به همین دلیل است که تجاوز به «اصول حقوقی» در

قوانینی نمودار است که اهل فن در تهیه آن دخالت نداشته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۵۷۰-۵۷۶)؛ لذا مقرراتی که خارج از اصول حقوقی تهیه می‌شوند، ریشه در ناآگاهی تدوین‌کنندگان آن دارند. انحرافی که با فروش تراکم ساختمانی در نظام شهرسازی ایران صورت گرفته، معضلی است که دامن‌گیر جامعه شهری شده و سال‌ها امکان زدودن اثرات مخرب آن، چه در شکل و فرم شهرها و چه به‌هم‌ریزی اصول اخلاقی حاکم، وجود نخواهد داشت.

با اینکه در ماده ۳۲۹ قانون مدنی چنین ذکر شده، «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند، باید آن را مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد، باید از عهده قیمت برآید» و در ماده ۳۳۱ چنین ذکر شده: «هر کس سبب تلف مالی بشود، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت آن برآید»؛ اما وقتی این ضرر توسط دولت ایجاد شود، مسائل آن پیچیده می‌گردد.

در اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به پیروی از سابقه موضوع در فقه، فقط به مسئله تقصیر و اشتباه قاضی اشاره شده و درباره دیگر ارکان و کارکنان دولت، حکمی پیش‌بینی نشده است. به موجب این اصل، «هرگاه بر اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». اگرچه این اصل فقط در خصوص تقصیر و اشتباه قضات بیان شده است، ولی با توجه به مبانی مسئولیت در اسلام و نظریاتی که گفته شد، باید معتقد باشیم که در اساس مسئولیت دولت، فرقی بین قضات و دیگر عمال دولت نیست (عسگری، ۱۳۸۶).

در نظام اسلامی، همان‌طور که در صیانت و اخلاق اسلامی، معیار فضایل اخلاقی است، در جذب و جلب اعتماد مردم نیز معیار، مسائل اخلاقی است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «یُسْتَدَلُّ عَلَى ادبار الدول بربعة؛ تضييع الاصول، ولتمسك بالغرور، وتأخير الافاضل وتقدیم الاراذل» (جوادی آملی، ۱۳۹۳ نقل از: شرح غرر الحکم، ج ۶، ص ۴۵۲)؛ یعنی اگر اصول ارزشی و اخلاق ضایع شوند؛ ظلم جای‌گزین عدل و خیانت، جای‌گزین امانت شود و انسان، مغرور گردد؛ افراد حزب‌اللهی، امین، لایق و باتجربه منزوی شوند و اشخاص بدسابقه و بداخلاق در مصدر کار قرار گیرند، در آن صورت می‌توان نتیجه گرفت که آن نظام سقوط می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۲۶۶).

اصل عدالت موضوع مهمی در تدوین قوانین و مقررات معماری و شهرسازی است؛ زیرا این

اصل اجازه تضييع حقوق ديگران را نمي دهد. «اذن قانوني، كه گاه به اذن شرعي و اذن الهي نيز ياد مي شود، در مواردی به كار مي رود كه اذن توسط قانونگذار داده شود، و در حقيقت قانونگذار مانعی را كه در بين است از سر راه برداشته و امري را مباح گرداند. يكي از شرايط اذن دهنده اهليت است ... و اهليت، از شرايط اساسی اعمال حقوقی است...» (فصیحی زاده، ۱۳۸۰، ص ۶۷).

پرسش مهم اين است كه آیا قانونگذار حق دارد حق ديگران را بدون معوض واگذار كند و يا به آنچه در اختيار او نبوده و اهليتش را ندارد (همانند فروش حریم خانه ديگران)، اقدام كند؟

### ۱۱. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مجموعه تعالیم اسلامی در سه بخش مرتبط اخلاق، فقه و اصول عقاید قرار داده گرفته است. اخلاق، نه تنها در نجات جامعه نقش دارد، بلکه در نجات فرد نیز سهم مؤثری ایفا می‌کند. یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین وظیفه‌های اخلاقی انسان، رها نکردن جامعه و در متن آن به سر بردن است. اخلاق اسلامی بر رعایت حقوق افراد در تعادل اجتماعی تأکید فراوان دارد. آموزه‌های اخلاقی اسلام، ماهیت کاربردی دارند. به همین دلیل، اخلاق اسلامی به منزله یکی از عناصر زیرساخت تمدن ایران اسلامی نقش راهبردی داشته است. پاکی وجدان، تأمین سلامت روح و جسم، و رفع نقیصه‌های بشری با اخلاق است؛ ولی اداره زندگی اجتماعی را حقوق به عهده دارد. به نظر بسیاری از حکیمان، مبنای اصلی حقوق، عدالت است؛ یعنی قانونگذار باید از قواعد عدالت پیروی کند و پیروان قانون، در صورتی که دستورهای حکومت را عادلانه بیابند، از آن پیروی می‌کنند.

بروز تخلفات فراوان در شهرسازی و معماری کشور، در کنار تبدیل باغات و مزارع به کاربری مسکونی، تجاری و... ناشی از بسترسازی غلطی است که زمینه آن با مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری و کمیسیون ماده پنج فراهم شده است. برای اصلاح فرهنگ عمومی که به قوانین و مقررات شهرسازی و معماری احترام گزارد، ابتدا باید این چارچوب و عوامل شکل دهنده‌ای که خرید و فروش تخلفات را جنبه قانونی بخشیده‌اند اصلاح شوند و سپس امکان پرداختن به جزئیات فراهم گردد. از مهم‌ترین نتایج این مقاله بشرح ذیل می‌باشد:

- با توجه به جایگاه مهم شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در راستای ایجاد نهاد دائمی ارزیابی سیاست‌های شهرسازی و معماری کشور و تهیه و تدوین مصوباتی که با قواعد فقهی-حقوقی شریعت اسلامی منطبق باشند، پیشنهاد می‌شود در موضوع نظارت بر کار شورای عالی شهرسازی و معماری و مطابقت مصوبات آن با شرع و قوانین فرادستی،



- فقهای شورای نگهبان یا نماینده منصوب این شورا، مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری را پیش از تصویب تأیید کنند و مصوبات با تأیید رئیس جمهور ابلاغ شوند؛
- مجلس شورای اسلامی نیز باید در شورای عالی شهرسازی و معماری علاوه بر کمیسیون عمران از کمیسیون‌های اجتماعی و فرهنگی دارای عضو ناظر باشد؛
  - هم‌اکنون دیوان عدالت اداری در موارد خاصی که از مصوبات شکایتی مطرح شود، برای مطابق با شرع بودن مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری و مصوبات کمیسیون ماده پنج، که چه‌بسا از سال‌های گذشته مورد اجرا بوده‌اند، از شورای نگهبان استعلام می‌کند. در برخی موارد اختیارات قانونی کمیسیون ماده پنج به عنوان دلیل شرعی بودن آن اعلام شده که البته واضح است این اختیارات مورد اشکال هستند و اختیارات ضرورتاً مجوز شرعی بودن آنها نیست و این موضوع، ضرورت اصلاح ساختار شورای عالی شهرسازی و معماری را نشان می‌دهد؛
  - فروش تراکم موجب الگوی نادرست کسب درآمدهای ناپایدار برای شهرداری‌ها شده است. لازم است این بدعت خلاف شرع و اصول رایج شهرسازی و معماری پایان پذیرد و دولت موظف شود تا لایحه‌ای به مجلس تقدیم کند که به موجب آن شهرداری‌های کشور به سمت کسب درآمدهای پایدار گام بردارند. همچنین باید امکان حسابرسی عملکرد و هزینه‌کرد شهرداری‌ها نیز فراهم شود؛
  - تقابلی که میان شورای عالی شهرسازی و معماری و کمیسیون ماده پنج تهران صورت گرفت و در سال‌های پس از دهه هشتاد ادامه یافت، نشان می‌دهد که خروج کمیسیون ماده پنج تهران از مجموعه وزارت راه و شهرسازی و سپردن دبیری و دبیرخانه آن به شهرداری تهران، تجربه ناموفقی است که هزینه‌های بسیاری را بر ساختار و نظام شهرسازی تهران وارد می‌آورد. لذا برای تنظیم روابط مابین پیشنهاددهنده، تصویب‌کننده و ناظر که هم‌اکنون در اختیار شهرداری است، باید دبیر و دبیرخانه کمیسیون ماده پنج تهران همانند سال‌های قبل از ۱۳۶۵ و همچنین دیگر شهرهای کشور به وزارت راه و شهرسازی انتقال داده شوند. این اصلاح موجب می‌شود امکان نظارت بر تغییرات طرح جامع و تفصیلی به نحو مؤثری در تهران نیز فراهم شود؛
  - تعطیلی شورای نظارت بر گسترش شهر تهران از مواردی بود که امکان تصمیم در سطح ملی را برای پایتخت کشور در حد یک کمیسیون درون‌شهری تقلیل داد. لذا به نظر می‌رسد

این شورا باید مجدداً در نهاد ریاست جمهوری احیا و مصوبات آن توسط این نهاد به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شود.

از قرن‌ها پیش دانشمندان دریافته بودند که جامعه شهری بیش از جامعه‌های دیگر، وقوع جرم و خشونت را تسهیل می‌کند، که این به سبب فراوانی وسایل اغوای نفس در شهر، دوری از اخلاق و سهولت مخفی شدن و عدم شناسایی است. تحقیقات درباره ساختمان‌های بلندمرتبه و کوتاه نشان می‌دهد که میزان جرم و جنایت در ساختمان‌های بلندمرتبه بسیار بیشتر است. روند ساخت‌وساز و تراکم‌فروشی کنونی جامعه را به سمت ناامنی و بزهکاری پیش برده که بایسته است پدیده تراکم‌فروشی به نحو مؤثری توسط نهاد قانون‌گذار کنترل شود؛ زیرا شورای عالی شهرسازی و معماری به واسطه کارکرد سیاسی‌ای که به خود می‌گیرد، از روند تخصصی خود فاصله می‌گیرد. از آنجاکه بالاترین حرم‌ها، حرم انسان مسلمان است و این حرم حقی روشن بر گردن تمامی افراد جامعه اسلامی بوده و حرام است که به آن تعرض شود، قانون‌گذاران امور شهری وظیفه دارند که قوانین را چنان تدوین کنند که با موازین اسلامی و احکام آن مغایر نباشند؛ حرامی را حلال نسازند و حلالی را حرام نکنند. انسان‌ها در سایه تهذیب اخلاق آزاد می‌شوند؛ لذا هیچ قاعده و قانونی در حوزه زندگی شهری نباید رذایل اخلاقی را رشد دهد و فضایل اخلاقی‌ای چون توجه به حلال و پرهیز از حرام را نزد مردم کوچک و حقیر جلوه دهد.

## منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. اصغری، سید محمد (۱۳۸۸). عدالت به مثابه «قاعده»، همراه با قواعد: «لاضرر»، «لا حرج»، «عدل و انصاف» و... تهران: انتشارات اطلاعات.
۳. بحرینی، نسرین (۱۳۸۹). مبانی اخلاقی آزمون‌سازی در نظام آموزشی ایران، در: اخلاق کاربردی در ایران و اسلام. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۴. جامع تفاسیر نور، دائرة المعارف چندرسانه ای قرآن کریم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مرکز پنخس، تهران و قم، (۱۳۸۴).
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). شریعت در آئینه معرفت. قم: انتشارات اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). تفسیر موضوعی قرآن کریم، مبادی اخلاق در قرآن. قم: ناشر مرکز چاپ اسراء.
۷. چیتیک، ویلیام (۱۳۸۴). عوالم خیال ابن عربی و مسئله اختلاف ادیان. ترجمه قاسم کاکایی. تهران: هرمس.
۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۵). قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. عبدالستار عثمان، محمد (۱۳۷۶). مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. عسگری، یدالله (۱۳۸۶). قابل دسترسی در سایت حقوق، به آدرس: <http://hoghough85.blogfa.com/post-77.asp>
۱۱. علی‌آبادی، محمد (۱۳۸۰). تأثیر فرهنگ اسلامی بر معماری خانه و محله. تهران: مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۲. علی‌آبادی، محمد. ۱۳۸۴، خانه‌های دل (بحثی در تبیین بعضی از اصول ساختاری از دیدگاه تفکر اسلامی)، اسوه. ۱ (۱).
۱۳. علی‌آبادی، محمد، و هاشمی طغرالجردی، سیدمجید (۱۳۸۹ الف). حریم بصری در فرهنگ ایران اسلامی و تأثیر آن در طراحی و ساخت خانه در شهر کرمان، در: اخلاق کاربردی در ایران و اسلام. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۱۴. علی‌آبادی، محمد، و هاشمی طغرالجردی، سیدمجید (۱۳۸۹ ب). ضرورت رویکردی نوبه

- قوانین و مقررات معماری اسلامی، انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۶۷ - ۱۷۵.
۱۵. قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۶. قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۷). درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای. تهران: انتشارات سرآمد.
۱۷. قراملکی، احد فرامرز، و فلاح، محمدجواد (۱۳۸۹). نقش راهبردی رساله‌الْحَقُوقِ امام سجاد علیه السلام در اخلاق کاربردی، در: اخلاق کاربردی در ایران و اسلام. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۱۸. فصیحی‌زاده، علیرضا (۱۳۸۰). اذن و آثار حقوقی آن. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی پژوهشکده فقه و حقوق.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). مقدمه حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). کلیات حقوق، نظریه عمومی. تهران: شرکت سهامی انتشارات.
۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت. تهران: میزان.
۲۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). قانون مدنی در نظم کنونی. تهران: دادگستر.
۲۴. لاوسون، برایان (۱۳۸۷). طراحان چگونه می‌اندیشند. ترجمه حمید ندیمی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۲۶. مطهری مرتضی (۱۳۸۱)، کلیات علوم اسلامی (مجموعه سه جلدی)، تهران: صدرا.
۲۷. معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۸). حقوق شهروندی در امور حقوق عمومی. تهران: انتشارات جنگل.
۲۸. نصر، سیدحسین (۱۳۷۵). جوانان مسلمان و دنیای متجدد. تهران: طرح نو.
۲۹. نصر، سیدحسین (۱۳۸۴). مسلمان امروزی و دگرگونی معماری محیط شهری اسلامی، فصلنامه آبادی. ترجمه مهدی عباس‌زاده، ۳۶ - ۴۶.
۳۰. نقره‌کار، عبدالحمید، و همکاران (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: دفتر معماری و طراحی شهری وزارت مسکن و شهرسازی.
۳۱. هاشمی طغرالجردی، سیدمجید، و فارس‌سیان، محمدرضا (۱۳۹۳). تعیین تراکم ساختمانی و

- تراکم فروشی. تهران: معاونت زیربنایی مجلس شورای اسلامی.
۳۲. هاشمی طغرالجردی، سیدمجید (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی معاصر، نمونه موردی: بررسی ضوابط و مقررات مرتبط با حریم و منظر خانه‌های کرمان (طرح پژوهشی). کرمان: اداره کل راه و شهرسازی کرمان.
33. Almond, Brenda (1998). *Applied Ethics*, Routledge Encyclopedia of philosophy, London and New York, Routledge.
34. Beauchamp, Tom L. (2005). The Nature of applied ethics, In: *A companion To Applied Ethics*. R.G. Frey and Christopher Heath Wellman (Ed.). Oxford, Blackwell.
35. Gifford, R. (1998). Environmental Psychology, Principles And Practice, *Privacy And Human Behavior*, allyn and bacon. ۱۸۰- ۱۹۲
36. Hansson, Mats G. (2008). *The Private Sphere: An Emotional Territory And Its Agent, Respect for Private Life as a Complement to the Consent*. Sweden: Uppsala University.

